

الكتاب: جمع بين صلاتين وحدود آن (فارسي)

المؤلف: السيد محمد رضا مدرسي

الجزء:

الوفاء: معاصر

المجموعة: فقه الشيعة من القرن الثامن

تحقيق:

الطبعة:

سنة الطبع:

المطبعة:

الناشر:

ردمك:

ملاحظات:

بررسی مسأله  
جمع بین صلاتین و حدود آن  
در پرتو کتاب و سنت  
نوشته  
سید محمد رضا مدرسی یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين  
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين و صحبه المنتجبين و لعنة  
الله على  
اعدائهم الى يوم الدين  
از مسائل مهمی که توجه ناظران را به خود جلب میکند و به ویژه در مکانهای  
زیارتی همچون مکه معظمه و مدینه منوره بارز است: استمرار اکثریت اهل تسنن  
حتی  
مسافرین بر اقامه نمازهای پنجگانه در پنج وقت منفصل، و اقامه نمازهای پنجگانه در  
بسیاری از اوقات توسط اهل تشیع به نحو جمع (تقدیم)، یعنی خواندن نماز عصر بعد  
از  
نماز ظهر و خواندن نماز عشاء بعد از نماز مغرب، و گاهی نیز به نحو جمع تأخیر  
یعنی  
خواندن نماز ظهر و عصر در عصر و یا خواندن نماز مغرب و عشاء مقداری پس از  
مغرب.  
این تفاوت در نظر برخی از عوام که از مسائل فقهی و روایی اطلاعات صحیحی  
ندارند به ویژه در میان اهل تسنن (چون تفریق بر پنج وقت عادت مستمری برای  
اکثریت  
آنها است) موجب شگفتی زیاد است، حتی جوان صاحب مغازه ای در مدینه که  
اصالتاً ترك  
بود از من پرسید: چرا نماز مغرب از ایرانیان فوت میشود؟ البته آسان ترین جوابی که  
میتوانست او را در آن لحظه کوتاه قانع کند، آن بود که دست کم این افراد مسافرنند  
و در

نتیجه برای آنان جایز است که نماز مغرب را تأخیر بیندازند و بین مغرب و عشاء جمع

کنند. (۱)

ولی در آن زمان کوتاه، بیش از آن جای سخن گفتن با او نبود. اما مطلب جای بحث بیشتری دارد که باید با فضلا و دانشمندان در میان گذاشت تا آنان مطلب را برای مردم بازگو کنند تا ریشه برخی پندارهای نابجا خشکیده شود و البته

این متفرع بر آن است که دانشمندان تحت تأثیر عادت و جو حاکم بر اجتماع خود قرار

نگیرند، که متأسفانه بسیاری از اوقات مسأله چنین است، و اساسا یکی از مشکلات بزرگ

انبیاء در طول تاریخ همین رسوب عادات در اذهان عوام و خواص بوده است.

(انا وجدنا آباءنا علی أمة وانا علی آثارهم مقتدون) (۲)

و بنابراین چه شیعه و چه سنی باید بدانند که برخی از عاداتی که در اجتماعات تثبیت شده، و از بدیهیات اسلام در نظر مردم به شمار مرود، این تثبیت و بداهت ناشی از بداهت

آن در اسلام نیست، بلکه وقتی به ادله آن مراجعه مکنی مبینی دارای مدرک درستی نمباشد، و فقط عالم یا عالمان بزرگی و یا سیاست حکومتی (که بیشتر چنین است) آن را

پسندیده و سپس رایج شده است، در حالی که در زمانی چنین رواج و شیوعی نداشته و

بیش از يك احتمال در کنار سایر احتمالات چیز دیگری نبوده است.

و عجیب است که این موضوع حتی در مورد چیزهایی صادق میباشد که هر روز مورد ابتلاء همه مسلمانان بوده است همچون وضو و نماز و... و این چقدر دردناک است

که مسلمانانی که هر روز شاهد وضو و نماز پیامبر بوده اند آنقدر در میان آنان اختلاف

باشد، و حتی در مثل امر محسوسی که همه آن را به چشم مدیده اند یعنی کیفیت قرار

دادن دستها در هنگام قرائت آن قدر اختلاف باشد: یکی آن را حرام بداند دیگری مکروه و

سومی مباح و چهارمی مستحب، یکی بگوید باید بالای ناف بگذارد و دیگری زیر ناف و

همینطور... با آنکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هر روز پنج مرتبه در جلو دیدگان همه مسلمانان نماز

- 
- (۱) - وقد قال في البحر الرائق: وقد شاهدت كثيرا من الناس في الاسفار خصوصا في سفر الحج ماشين على هذا (اي الجمع بين الصلاتين) تقليدا للامام الشافعي في ذلك... ج ۱ ص ۲۶۷. البته سفر مجوز قصر و جمع نیز خود محل بحث است.
- (۲) - سوره زخرف ۲۳.

مگزارد و فرمود:

(صلوا كما رأيتموني أصلي) (۱)

به هر حال دلیل این اختلافات هر چه باشد صرف نظر از موجه یا نا موجه بودن آن،

این

مسأله را روشن میکند که: واضح بودن مسأله ای نزد گروهی خاص دلیل بر آن

نیست که

این مسأله از نظر کتاب و سنت مأثوره نیز به همان وضوح است.

با توجه به این نکات در این مقاله میخواهیم درباره جمع بین صلاتین و با دیدی

وسیع تر اساساً اوقات نماز (ظهر و عصر، مغرب و عشاء) سخن بگوییم، و روشن

نماییم که

جمع بین صلاتین حتی از نظر روایات معتبر در نزد اهل تسنن در همه حال جایز است

و در

واقع نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء دارای وقت مشترك نیز میباشد.

اوقات نماز در قرآن کریم

خداوند متعال مفرماید:

(أقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان

مشهوداً) (۲)

(نماز را به پا دارید از دلوك تا غسق (دل شب) و قرآن فجر (نماز

فجر) را به پا

دارید که نماز فجر مشهود (فرشتگان شب و روز) است.

در این آیه مبارکه خداوند متعال امر به اقامه نماز میکند از دلوك خورشید تا غسق

شب، و همچنین امر به اقامه نماز صبح میکند و مفرماید که نماز فجر مشهود است.

با توجه به لغت و روایات و ذوق سلیم و تفاسیر، انسان میابد که پروردگار حکیم

در

این آیه امر به نمازهای پنجگانه فرموده و اوقات آن را به طور کلی بیان فرموده

است.

ابن فارس مگوید:

(ذلك: اصل واحد يدل على زوال شيء عن شيء ولا يكون الا برفق. يقال:

دلكت الشمس: زالت. ويقال: دلكت: غابت. والدلك: وقت دلوك الشمس. و من

(۱) - السنن الكبرى ج ۲ ص ۳۴۵.

(۲) - الاسراء ۷۹.



الباب دلكت الشيء، وذلك أنك اذا فعلت ذلك لم تكديك تستقر على مكان

دون مكان... (١)

و در نهاية مگوید:

(دلوك الشمس في غير موضع من الحديث، ويراد به زوالها عن وسط السماء، و

غروبها ايضا. و اصل الدلوك: الميل.)

ازهرى مگوید: دلوك خورشيد به نظر من ميل آن از وسط آسمان در نیمه روز است

تا آیه جامع نمازهای پنجگانه باشد و معنی آیه چنین است والله اعلم:

(أقم الصلاة يا محمد صلى الله عليه و سلم أى أدمها من وقت زوال الشمس الى غسق

الليل

فيدخل فيها الاولى والعصر، وصلاتا غسق الليل هما العشاءان فهذه اربع

صلوات، والخامسة قوله (عز وجل) و قرآن الفجر، المعنى وأقم صلاة الفجر

فهذه خمس صلوات فرضها الله تعالى على نبيه صلى الله عليه و سلم وعلى امته.

و اذا جعلت الدلوك الغروب كان الامر في هذه الاية مقصورا على ثلاث

صلوات. فان قيل: ما معنى الدلوك في كلام العرب؟ قيل الدلوك الزوال ولذلك

قيل للشمس اذا زالت نصف النهار دالكة، وقيل لها اذا افلت دالكة لانها في

الحالتين زائلة... (٢)

وفي نوادر الاعراب: دمكت الشمس ودلكت وعلت او اعتلت، كل هذا

ارتفاعها (٣)

و مبرد گفته است:

(دلوك الشمس من لدن زوالها الى غروبها.) (٤)

بنابراین گرچه دلوك احيانا به معنی غروب شمس نیز استعمال شده است ولی شکی

نیست آن معنی که در این آیه شریفه مناسب است همان معنی زوال خورشيد از وسط

آسمان است چنان که ازهرى و دیگران به این معنی تصریح کرده اند.

(١) - معجم مقاييس اللغة ح ٢ ص ٢٩٨.

(٢) - لسان العرب ماده ذلك.

(٣) - لسان العرب ماده ذلك.

(٤) - مجمع البيان ج ٦ ص ٤٣٣.



روایات متعددی نیز در این مورد وارد شده است از آن جمله:  
(عن ابن مسعود رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم:  
أتانى جبرئيل عليه السلام لدلوك الشمس حين زالت فصلى بي الظهر) (۱)  
از افراد دیگری نیز این مضمون نقل شده است، همچون ابن عباس، انس، عمر، ابن  
عمر، ابی برزة و غیر اینها.  
از طریق اهل بیت علیهم السلام نیز به طرق متعدد وارد شده است که مقصود از دلوك  
زوال است.

عن ابی عبد الله عليه السلام في قوله تعالى:  
(أقم الصلاة لدلوك الشمس الى غسق الليل، و قرآن الفجر ان قرآن الفجر  
كان مشهودا قال: دلوك الشمس زوالها، غسق الليل انتصافه، و قرآن الفجر  
ركعتا الفجر) (۲)

و با وجود این روایات متعدده نمیتوان اعتنایی به دو روایتی که سیوطی از ابن  
مسعود و علی علیه السلام نقل میکند که دلوك به معنی غروب است، علاوه نهایت  
مطلب تعارض  
این دو نوع روایات است و بر فرض عدم ترجیح دسته اول و تساقط هر دو دسته،  
شکی  
نیست که باید به ظهور لغوی قرآن بازگشت نمود که روشن شد دلوك در آیه مبارکه  
ظهور

در زوال خورشید دارد. و از اینجا است که شافعی تصریح میکند: دلوك الشمس  
زوالها (۳)

و اما غسق، در معجم مقاییس اللغة مگوید:  
(غسق: العين والسين والقاف اصل صحيح يدل على ظلمة فالغسق الظلمة) (۴)  
وراغب در مفردات مگوید:  
(غسق الليل: شدة ظلمته)

و از ابن عباس نیز نقل شده است:  
(غسق الليل اجتماع الليل وظلمته) (۵)

- 
- (۱) - در المنشور جم ۴ ص ۱۹۵.  
(۲) - وسائل الشيعة: ابواب المواقيت ش ۴۷۹۹.  
(۳) - السنن الكبرى ج ۱ ص ۳۶۴.  
(۴) - معجم مقاییس اللغة ج ۴ ص ۴۲۵.  
(۵) - در المنشور ج ۴ ص ۱۹۵.

(7)

و به هر حال آنچه به نظر می‌رسد آن است که مقصود از غسق اللیل آخر وقت عشاء است و این با آنچه را که راغب در مفردات گفته که غسق اللیل شدة ظلمته است سازگارتر

مباشند و بنابراین احتمال آنکه مقصود از غسق اللیل غروب شمس و یا ابتدای شب باشد

مردود است چون غروب آفتاب نه شدت ظلمت است نه اجتماع لیل و نه حتی به معنی

دقیق تاریکی شب و نه وقت نماز عشاء.

اکنون با روشن شدن معنی دلوك و غسق و قرآن الفجر در میابیم که خداوند متعال در این آیه به پنج نماز امر فرموده و اوقات آن را نیز ذکر کرده است، چون مفرماید:

از ابتدای ظهر نماز را اقامه کنید تا دل شب و نماز فجر را نیز به پا دارید. از آیه شریفه استفاده

میشود از اول ظهر تا دل شب وقت برای نمازهای چهارگانه است، که اگر دلیل قطعی

نداشتیم که باید نماز ظهر و عصر را پیش از مغرب و نماز مغرب و عشاء را بعد از مغرب

بخوانیم متوانستیم با تمسك به اطلاق آیه شریفه بگوئیم: از اول ظهر تا دل شب وقت

مشترك برای این چهار نماز است ولی چون دلیل قطعی قائم شده است بر اینکه نماز ظهر و

عصر باید پیش از مغرب و نماز مغرب و عشاء باید بعد از غروب خوانده شود به این اندازه

اطلاق را تقیید میکنیم، و در موارد باقی مانده متوانیم تمسك به اطلاق آیه شریفه بکنیم

و بگوئیم: از ابتدای ظهر تا غروب وقت مشترك برای ظهر و عصر (البته با حفظ ترتیب و در

نتیجه باید ابتدا ظهر بجا آورده شود و بعد عصر و بدون بجا آوردن ظهر معنا ندارد عصر

بجا آورده شود و همچنین اگر فقط چهار رکعت برای حاضر وقت باقی باشد باید فقط عصر

بجا آورد و نظیر همین در مورد مغرب و عشاء وجود دارد) و از مغرب تا نصف شب (یا

ثلث یا فجر بنا به اختلاف) وقت مشترك برای مغرب و عشاء.  
و لهذا وقتی از امام باقر علیه السلام پرسش میشود درباره نمازهایی که خداوند عز  
وجل

واجب فرموده است، مفرماید: پنج نماز در شبانه روز.  
راوی مگوید: آیا خداوند آنها را در کتابش نام برده و بیان فرموده است؟  
مفرماید:

نعم، قال الله تبارك و تعالی لنبيه:  
(اقم الصلاة لدلوك الشمس الی غسق الليل) ودلوكها زوالها ففیما بین دلوك

الشمس الى غسق الليل اربع صلوات سماهن الله وبينهن ووقتهن وغسق الليل هو انتصافه ثم قال: (و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهودا) (١) و از اینجا است که امام رازی در تفسیر کبیر اعتراف میکند که از آیه شریفه اوقات مشترکه استفاده میشود. او مگوید:

(ان فسرنا الغسق بالظلمة المتراكمة، فنقول: الظلمة المتراكمة أنها تحصل عند غيبوبة الشفق الابيض (الذى يحصل بعد غيبوبة الشفق الاحمر على ما قالوا) و كلمة الى لانتهاء الغاية والحكم الممدود الى غاية يكون مشروعا قبل حصول تلك الغاية فوجب جواز اقامة الصلوات كلها قبل غيبوبة الشفق الابيض...) (٢) و بلکه رازی مگوید: اگر غسق را به معنی اول ظلمت شب بگیریم باز وقت مشترک استفاده میشود او مگوید:

(فأن فسرنا الغسق بظهور اول الظلمة كان الغسق عبارة عن اول المغرب وعلى هذا التقدير يكون المذكور في الاية ثلاثة اوقات: وقت الزوال و وقت اول المغرب و وقت الفجر، وهذا يقتضى ان يكون الزوال وقتا للظهر والعصر فيكون هذا الوقت مشتركا بين هاتين الصلاتين وان يكون اول المغرب وقتا للمغرب والعشاء فيكون هذا الوقت مشتركا ايضا بين هاتين الصلاتين فهذا يقتضى جواز الجمع بين الظهر والعصر و بين المغرب والعشاء مطلقا.) (٣) سپس مگوید: ولی دلیل دلالت میکند که جمع در حضر بدون عذر جایز نیست. اما به زودی برای شما ثابت خواهد شد که سنت نیز دال بر جواز جمع است در حضر مطلقا، ان شاء الله تعالى.

آلوسی نیز با تعصب خاصی که دارد به استفاده این معنی از آیه ضمنا اعتراف کرده و نیز مگوید: جواز جمع بین صلاتین مطلبی است که روایات صحیحه آن را تأیید میکند. (٤)

(١) - وسائل الشیعة: ابواب اعداد الفرائض ونوافلها ب ٢ ش.

(٢) - التفسیر الکبیر: ج ٢١ ص ٢٧.

(٣) - التفسیر الکبیر ج ٢١ ص ٢٧.

(٤) - تفسیر روح المعانی ج ١٥ ص ١٣٢ و ١٣٣.

جمع بین صلاتین از نظر روایات  
و تا آنجا این مطلب در روایات واضح است که در صحیح مسلم بابی گشوده است  
با

این عنوان: باب الجمع بین الصلاتین فی الحضرة (۱)  
و ما عده ای از آن روایات را نقل میکنیم:

۱ - حدثنا يحيى بن يحيى قال: قرأت على مالك عن ابى الزبير عن سعيد بن جبیر عن  
ابن عباس قال:

(صلى رسول الله صلى الله عليه و سلم الظهر والعصر جميعا والمغرب والعشاء جميعا  
في غير خوف

ولا سفر) (۲)

۲ - حدثنا احمد بن يونس وعون بن سلام جميعا عن زهير قال ابن يونس حدثنا زهير  
حدثنا ابو الزبير عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال:

(صلى رسول الله صلى الله عليه و سلم الظهر والعصر جميعا بالمدينة في غير خوف  
ولا سفر. قال

ابو الزبير: فسألت سعيدا لم فعل ذلك؟ فقال: سألت ابن عباس كما سألتني، فقال: أراد  
أن لا يخرج احدا من امته.) (۳)

۳ - حدثنا ابوبكر بن ابى شيبة وابو كريب قالوا حدثنا ابو معاوية ح وحدثنا ابو كريب  
و

ابو سعيد الاشج واللفظ لابي كريب قالوا حدثنا وكيع كلاهما عن الاعمش عن حبيب  
ابن ابى

ثابت عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال:

(جمع رسول الله صلى الله عليه و سلم بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء بالمدينة  
في غير خوف

ولا مطر (في حديث وكيع) قال: قلت لابن عباس: لم فعل ذلك؟ قال: كي لا يخرج  
امته، وفي حديث ابى معاوية قيل لابن عباس: ما أراد الى ذلك؟ قال: أراد أن

لا يخرج امته.) (۴)

۴ - حدثنا ابوبكر بن ابى شيبة حدثنا سفيان بن عيينه عن عمرو عن جابر بن زيد عن  
ابن

(۱) - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۵۱ ولی این عنوان در شرح نووی حذف شده است.

(۲) - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۵۱.

(۳) - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۵۱.

(۴) - صحیح مسلم ج ۲ ص ۱۵۲.



(٩)

عباس قال:

(صليت مع النبي صلى الله عليه و سلم ثمانيا جميعا وسبعا جميعا قلت يا ابا الشعثاء  
أظنه اخر الظهر و

عجل العصر وأخر المغرب وعجل العشاء قال: وأنا اظن ذلك) (١)  
ذيل حديث تأويل حديث است به ظن توسط راوى، و (أن الظن لا يعنى من الحق  
شيئا) (٢)

٥ - حدثنا ابو الربيع الزهرانى حدثنا حماد بن زيد عن عمرو بن دينار عن جابر بن زيد  
عن ابن عباس:

(أن رسول الله صلى الله عليه و سلم صلى بالمدينة سبعا وثمانيا الظهر والعصر  
والمغرب والعشاء.)

در اينجا لف و نشر مشوش است يعنى هفت ركعت مغرب و عشاء و هشت ركعت  
ظهر و عصر.

٦ - حدثنى ابو الربيع الزهرانى حدثنا حماد عن الزبير بن الخريت عن عبد الله بن  
شقيق

قال خطبنا ابن عباس يوما بعد العصر حتى غربت الشمس وبدت النجوم وجعل الناس  
يقولون: الصلاة الصلاة قال: فجاءه رجل من بنى تميم لا يفتر ولا ينثنى الصلاة الصلاة  
فقال

ابن عباس: أتعلمنى بالسنة لا أم لك؟! قال:

(رأيت رسول الله صلى الله عليه و سلم جمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء قال  
عبد الله بن

شقيق فحك في صدرى من ذلك شئ!! فأتيت ابا هريرة فسألته فصدق مقالته.)

٧ - حدثنا ابن ابى عمر حدثنا وكيع حدثنا عمران بن جدير عن عبد الله بن شقيق  
العقيلي قال: قال رجل لابن عباس: الصلاة الصلاة فسكت ثم قال: الصلاة فسكت ثم  
قال:

الصلاة فسكت ثم قال:

(لا أم لك أتعلمنا بالصلاة وكنا نجمع بين الصلاتين على عهد رسول الله صلى الله عليه  
و سلم)

اينها برخى روايات بود كه مسلم در كتاب خود در باب الجمع بين الصلاتين في  
الحضر آورده است اما بخارى كه احتياط بسيار زيادى مىكند كه چيزى بر خلاف  
مشى

حكومتها نگويد وسعى دارد تا بتواند چيزى را كه مطابق مذهب اهل بيت است  
نياورد باز



- 
- (١) - صحيح مسلم ج ٢ ص ١٥٢ .  
(٢) - سورة النجم .

برخی از روایات گذشته و غیره را تحت عنوانهای دیگر آورده است و با آن که بقیه روایات

نیز بنا به شرط او صحیح است از آوردن آنها امتناع کرده و شاید خود به دلیل آن آگاه تر

است. به هر حال روایاتی که دال بر مطلق جمع است و شامل حضر هم میشود و بخاری در

صحیح خود نقل کرده، برخی از آنها بدین قرار است:

۱ - در باب وقت المغرب چنین آمده است:

(حدثنا آدم حدثنا شعبة قال حدثنا عمرو بن دينار قال: سمعت جابر بن زيد عن ابن

عباس قال: صلى النبي صلى الله عليه و سلم سبعا جميعا وثمانيا جميعا.) (۱)

۲ - و در باب ذکر العشاء والعتمة و من رأه واسعا، آمده است:

(... وقال ابن عمر وابو ايوب وابن عباس صلى النبي صلى الله عليه و سلم المغرب والعشاء) (۲)

۳ - و در باب من لم يتطوع بعد المكتوبة، آمده است:

(حدثنا علي بن عبد الله قال حدثنا سفیان عن عمرو قال: سمعت أبا الشعثاء جابرا

قال: سمعت ابن عباس رضی الله عنهما قال: صليت مع رسول الله ثمانيا جميعا و

سبعا جميعا قلت: يا ابا الشعثاء أظنه آخر الظهر وعجل العصر، وعجل العشاء وأخر

المغرب. قال: وأنا أظنه) (۳)

۴ - و در باب تأخير الظهر الى العصر، چنین آمده است:

(حدثنا ابو النعمان قال حدثنا حماد بن زيد عن عمرو بن دينار عن جابر بن زيد عن

ابن عباس أن النبي صلى الله عليه و سلم صلى بالمدينة سبعا وثمانيا الظهر والعصر

والمغرب و

العشاء فقال ايوب: لعله في ليلة مطيرة قال: عسى.) (۴)

در تحفة الباری وقتی به این باب مرسد اعتراف میکند که عنوان گویای مضمون

حدیث نیست و مناسب آن بود که بگوید: باب صلاة الظهر مع العصر والمغرب مع

العشاء

ففي التعبير بما قاله تجوز وقصور. (۵)

(۱) - صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۴۰ به شماره ۵۶۲ طبق شمارش طبع فتح الباری.

(۲) - صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۴۱ باب ۲۰ بر طبق شمارش فتح الباری.

(۳) - صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۰ باب ۳۰ حدیث ۱۱۷۴ بر طبق شمارش فتح الباری.

(۴) - صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۳۷ ش ۵۴۳.

(۵) - تحفة الباری ج ۲ ص ۲۹۲ به نقل از مسائل فقهیه للامام شرف الدین ص ۱۴.

(11)

۵ - و در باب وقت العصر، آمده است:

(حدثنا ابن مقاتل قال اخبرنا عبد الله قال: ابوبكر بن عثمان بن سهل بن حنيف قال: سمعت ابا امامة يقول: صلينا مع عمر بن عبد العزيز الظهر ثم خرجنا حتى دخلنا على أنس بن مالك فوجدناه يصلي العصر، فقلت: يا عم ما هذه الصلاة التي صليت قال: العصر وهذه صلاة رسول الله صلى الله عليه و سلم التي كنا نصلي معه.) (۱)  
این روایت دال بر آن است که انس به تبع رسول الله صلی الله علیه و سلم بین ظهر و عصر جمع

مکرده است. و احتمال آن که عمر بن عبد العزیز نماز ظهر را در آخر وقت ظهر خوانده

مندفع است چون جای تعجب نبود که این چه نمازی است که انس میخواند. و جالب این است که این روش نمازگزاردن را انس با کان و فعل مضارع که دال بر استمرار عمل است از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نقل میکند کما اینکه در یکی از روایات ابن عباس نیز چنین بود.

۶ - باز در باب وقت العصر، آمده است:

(حدثنا قتيبة قال: حدثنا الليث عن ابن شهاب عن عروة عن عائشة: أن رسول الله صلى الله عليه و سلم صلى العصر والشمس في حجرتها لم يظهر الفئ من حجرتها.)

۷ - و نیز: ابو نعیم قال: أخبرنا ابن عيينة عن الزهري عن عروة عن عائشة قالت: كان النبي صلى الله عليه و سلم يصلي صلاة العصر والشمس طالعة في حجرتي لم يظهر الفئ بعد.

از این دو روایت و نظایر این دو استفاده میشود که نماز پیامبر صلی الله علیه و سلم به زمانی که سایه

هر چیزی مثل خودش یا دو برابر مثل خودش بشود به تأخیر نمافتاد و اگر نه معنی نداشت عائشه بگوید والشمس طالعة في حجرتي لم يظهر الفئ بعد، با آنکه حجره کوچک بوده است و حتی اگر دیوار آن کوتاه بوده بسیار زود سایه نمایان شده است. و

به جان خودم این روایات یکی از قوی ترین ادله بر وقت مشترك بین ظهر و عصر میباشد و

چون ظهور در استمرار دارد بعید نیست کسی از آن استفاده کند که تعجیل در عصر نیز

مطلوب است و حداقل دال بر جواز به معنی دقیق کلمه است.

و در مسند احمد بن حنبل نیز آمده است:  
۱ - حدثنا عبد الله حدثني ابي ثنا سفیان قال عمرو اخبرني جابر بن يزيد انه سمع ابن

-----  
(۱) - صحيح بخارى ج ۱ ص ۱۳۸ ص ۵۴۹.

عباس يقول: صليت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم ثمانيا جميعا وسبعا جميعا قال: قلت له: يا أبا الشعثاء أظنه

آخر الظهر وعجل العصر وأخر المغرب وعجل العشاء. قال: وأنا أظن ذلك. (١)  
٢ - حدثنا عبد الله حدثني ابي ثنا محمد بن عثمان بن صفوان عن صفوان بن اميه الجمحي قال: ثنا الحكم بن أبان عن عكرمة عن ابن عباس: قال: صلى رسول الله صلى الله عليه و سلم في المدينة مقيما غير مسافر سبعا وثمانيا. (٢)

همچنين از ابن مسعود روايت شده است:

(جمع النبي صلى الله عليه و سلم - يعنى في المدينة - بين الظهر والعصر و بين المغرب والعشاء فقيلا

له في ذلك فقال: صنعت هذا لئلا تخرج امتي. اخرج الطبراني. (٣)  
وعن ابن عمر:

(قيل له: لم ترى النبي صلى الله عليه و سلم جمع بين الظهر والعصر والمغرب والعشاء مقيما غير

مسافر، أنه أجاب بقوله: فعل ذلك لئلا تخرج امته. (٤)

و هيچ روايت معارضی با این روايات که حاکی از نهی رسول الله صلى الله عليه و سلم از جمع بين

صلاتين باشد نقل نشده است مگر آنچه که حنش از عكرمه از ابن عباس روايت ميكند و

این حنش کسی است که بخاری و احمد و غیر این دو او را تضعيف کرده اند و وقتی ترمذی

حدیث او را نقل ميكند مگوید: وهو ضعيف عند اهل الحديث ضعفه احمد و غيره (٥)

و همچنين عكرمه خود مورد تضعيف قرار گرفته است.

و دو روايت نیز از عمر بدون اسناد به رسول اکرم صلى الله عليه و سلم نقل شده که هر دو مورد

خدشه بیهقی قرار گرفته است. و خلاصه احدی از اهل حدیث در صحت احادیث دال بر

جمع بين صلاتين توسط رسول اکرم صلى الله عليه و سلم تشکيك نکرده است.

علاوه بر احادیث ذکر شده احادیث بسیار دیگری است که دال بر جواز جمع بين صلاتين میباشد که در موارد خاص از رسول اکرم صلى الله عليه و سلم نقل شده

است مثل جمع در عرفه و

- 
- (١) - مسند احمد بن حنبل ج ١ ص ٢٢١.
  - (٢) - مسند احمد بن حنبل ج ١ ص ٢٢١.
  - (٣) - نقله شرف الدين قدس الله نفسه عن شرح الموطأ للزرقاني ص ٢٦٣.
  - (٤) - نقله شرف الدين قدس الله نفسه عن حديث تجده في صفحته ٢٤٢ من الجزء الرابع من كنز العمال عدده في تلك الصفحة ٥٠٧٨ مسندا الى عبد الله.
  - (٥) - سنن الترمذى ج ١ ص ٣٥٦.

مزدلفه و در سفر، باران و غیره. و نیز روایاتی موجود است که میتوان از آنها استنباط کرد

که بین نماز ظهر و عصر و همچنین بین نماز مغرب و عشاء اوقات مشترک وجود دارد. (۱)

تأویلات در روایات جمع بین صلاتین و رأی صحیح ولی عجیب این است که با این روایات صحیحة و صریحه، عادات و رسوم آنچنان در

ذهن عده ای رسوب کرده که شروع به تأویل سنت صریح پیامبر نمودند چنان که بعضی این

تأویلات را که توسط برخی روات شده بود در ضمن نقل متن روایات دیدید، و جالب آن

است که ترمذی بعد از نقل روایت ابن عباس در مورد جمع بین صلاتین بدون ترس و باران،

مگوید: همه امت این حدیث را ترك کرده اند!! ولی جای تعجب است چنین سخنی از

ترمذی و آنچنان که معلوم است و خواهد آمد و نووی در شرح خود و غیر او تصریح

کرده اند (۲) هرگز اجماعی بر ترك آن نبوده است. به هر حال عده ای برای اینکه بر طبق

روایت عمل نکنند دست به تأویلاتی زده اند که هر طائفه ای سخن دیگری را مردود دانسته

است و واقعا هم چنین است:

نووی مگوید:

عده ای تأویل کرده اند که جمع بین صلاتین به عذر باران بوده است و این تأویل مشهور از گروهی از بزرگان متقدمین میباشد ولی این تأویل ضعیف است به روایت دیگر

که من غیر خوف ولا مطر دارد.

و عده ای تأویل کرده اند که این جمع بین صلاتین در هوای ابری بوده است. پس حضرت نماز ظهر را بجا آورده سپس ابر بر طرف شده و روشن گردیده که وقت عصر

داخل شده است و حضرت نماز عصر را اقامه نمود، این تأویل نیز باطل است به خاطر آنکه

اگر چه احتمال اندکی در ظهر و عصر میباشد اما چنین احتمالی در مغرب و عشاء



نیست.  
وعدہ ای تأویل کرده اند کہ نماز اول را بہ آخر وقتش تأخیر انداختہ و در آخر وقت  
آن اقامہ نمودہ و پس از فراغ نماز دیگر را بجا آورده (یعنی ہر یک در آخر و اول  
وقت

- 
- (۱) - سنن البیہقی ج ۳ ص ۱۶۹.  
(۲) - شرح نووی ج ۵ ص ۲۱۸ - روح المعانی ج ۱۵ در تفسیر آیہ دلوک.

خود) پس صورت جمع بوده است نه حقیقت جمع. این تأویل نیز ضعیف است یا باطل به خاطر آن که مخالف ظاهر است به گونه ای که احتمال آن نمرود، و عمل ابن عباس که ذکر کردیم در حین سخنرانی و استدلال او به حدیث برای صحت عملش و تصدیق نمودن او توسط ابی هریره و عدم انکار ابی هریره، صریح در رد این تأویل است. وعده ای تأویل کرده اند که این روایت حمل میشود بر صورت عذر مرض و مثل آن هر چه به معنای مرض از سایر اعدار باشد و این قول احمد بن حنبل و قاضی حسین از اصحاب ما است و خطابی و متولی و رویانی از اصحاب ما آن را پذیرفته اند و همین مختار من است در تأویل آن به خاطر ظاهر حدیث و به خاطر عملی ابن عباس و موافقه ابی هریره و برای اینکه مشقت در بیماری بیشتر از باران است. (۱)

من نمیدانم حدیث ابن عباس چه ظهوری دارد در جواز جمع در حال مرض؟ آیا وقتی ابن عباس خطبه میخواند همه بیمار بودند که به این عذر جمع بین صلاتین کنند؟! واقعا عادت چگونه فهم انسان را ناقص میکند و انسان را مبتلا به چنین تأویلاتی مینماید.

و به قول ابن حجر عسقلانی اگر پیامبر صلی الله علیه و سلم به خاطر مرض بین الصلاتین جمع نموده بود نباید با او نماز بگذارند مگر کسانی که مثل چنین عذری دارند در حالی که ظاهر آن است حضرت صلی الله علیه و سلم نماز را با اصحاب به جماعت خوانده است و ابن عباس در روایت خود به این مطلب تصریح میکند. (۲)

و باز شگفتی بر جای میماند که ابن حجر خود دست به تأویل میزند و بدون حجتی روایات را تأویل میکند به جمع صوری که در کلام نووی گذشت. و ابن حجر نیز گرفتار اعتراض یکی از اخلاف خود در حاشیه بر کتابش میشود، کما اینکه محشی خود نیز گرفتار اشکال اسلاف است، و این سر در گمی و حیرت فقط به خاطر اصرار بر اعراض

از مذهب اهل بیت علیهم السلام است، و چه مشد حداقل چون گروهی دیگر که  
خود از آنان نقل  
مکنند جمع در حضر را پذیرند و وقت فضیلت را با وقت اجزاء در هم نیامیزند،  
کما  
اینکه نووی مگوید: عده ای از ائمه قائل به جواز جمع در حضر برای حاجت شده  
اند در

-----  
(۱) - شرح نووی ج ۵ ص ۲۱۸.

(۲) - فتح الباری ج ۲ ص ۳۰.

صورتی که آن را برای خود عادت نکنند مثل ابن سیرین و اشهب از اصحاب مالك و خطابی این قول را حکایت کرده از قفال و شاشی کبیر از اصحاب شافعی از ابی اسحاق

مروزی از جماعتی از اصحاب حدیث و ابن منذر نیز آن را اختیار کرده است. سپس نووی مافزاید این قول را تأیید میکند سخن ابن عباس: أراد ان لا یحرج امته که تعلیل به بیماری

و غیر آن نشده است. (۱)

و در مغنی و شرح کبیر از ابن شبرمه نقل میکنند:

جمع بین صلاتین جایز است هر گاه حاجتی یا چیزی باشد مادام که آن را عادت اتخاذ نکرده باشد. (۲)

و نیز در المجموع محی الدین بن شرف النووی مگوید:

(وقال ابن منذر من اصحابنا یجوز الجمع فی الحضر من غیر خوف ولا مطر ولا مرض) و دیگر تقییدی نمآورد که آن را عادت اتخاذ نکند.

و در آخر باب، فرعی را تحت این عنوان ذکر میکند:

(فرع فی مذاهبهم فی الجمع فی الحضر بلا خوف ولا سفر ولا مطر ولا مرض) و سپس ادامه مدهد:

مذهب ما (یعنی مذهب شافعی) و مذهب ابی حنیفه و مالك و احمد و جمهور

آن است که جایز نیست و ابن منذر از گروهی جواز جمع را بدون سببی

حکایت کرده است، و گفته ابن سیرین به جهت نیاز یا در صورت عدم عادت آن را تجویز کرده است. (۳)

ولی سیف الدین محمد بن احمد الشاشی القفال در حلیة العلماء حکایت تجویز ابن سیرین جمع بین صلاتین را که ابن منذر نقل میکند به طور مطلق آورده و به آن قیدی نزده

است. (۴)

به هر حال قید عدم اتخاذ جمع بین صلاتین به عنوان عادت باز تأویلی است که

(۱) - شرح نووی ج ۵ ص ۲۱۹.

(۲) - المغنی والشرح الکبیر ج ۲ ص ۱۲۲ ش ۱۲۶۳.

(۳) - المجموع ج ۴ ص ۳۸۴.

(۴) - حلیة العلماء ج ۲ ص ۲۴۴.

بعضی از جانب خود بر روایات صحیحیه افزوده اند و هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد.  
و  
علی رغم آنکه رسول گرامی صلی الله علیه و سلم نمخواست امتش به حرج بیفتد  
عده ای از جانب خود و  
تحت تأثیر عادات قیودی را افزودند و خود وامت را گرفتار کردند در حالی که  
خداوند  
متعالم مفرماید:

(یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر) (۱)  
حتی میتوان گفت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در بسیاری از اوقات - اگر اکثر  
اوقات نباشد - بین  
صلاتین جمع مفرمود چنان که از روایات ابن عباس و انس که ماضی استمراری در  
آن  
به کار رفته بود استفاده مشد و نیز از روایات عائشه و تمام روایات دال بر تبکیر به  
صلاة  
العصر و غیره. البته مقصود از جمعی که بسیاری از اوقات پیغمبر صلی الله علیه و  
سلم بدان مبادرت  
مفرمود جمع تقدیم است نه جمع تأخیر هر چند جمع تأخیر نیز نقل شده است.  
بلی يك نکته نباید فراموش کنیم که اگر جمع به گونه ای باشد که حتی نوافل بجا  
آورده نشود از نظر ترك نوافل مرجوح است (۲) و بلکه اگر استخفاف به سنت و  
اعراض از  
آن باشد حرام و شاید همین نکته مورد نظر کسانی باشد که گفته اند جمع بین  
صلاتین در هر  
حال جایز است مادام که عادت نباشد یعنی مادام که عادت نباشد که موجب اعراض  
و  
استخفاف به سنت باشد و البته این حرمت ناشی از استخفاف به سنت تنفل است و  
نه بیشتر،  
و با انجام نوافل دیگر مشکلی باقی نیست. البته بحث از فضیلت اوقات خود محتاج  
فرستی  
دیگر است که در میان فقهای شیعه نیز نظرات مختلفی ابراز شده است، و آنچه ذکر  
شد  
مقصود مفاد روایات صحاح اهل تسنن میباشد.  
خلاصه اقوال فقهاء در جمع بین صلاتین  
و در پایان اقوال فقهاء در مورد جمع بین صلاتین چنین خلاصه میشود:

۱ - حنفیه که قائل به عدم جواز بین صلاتین میباشند نه در سفر و نه در حضر به هر عذری مگر در دو مورد یکی در عرفه و دیگر در مزدلفه آن هم با شرایط خاص.

-----  
(۱) - سوره بقره ۱۸۵.

(۲) - گرچه نوافل خود نیز مورد اختلاف است.

۲ - مشهور شافعیه که قائل به جواز جمع میباشند برای مسافر و در باران و برف آن هم با شرائطی و به نظر آنان به خاطر تاریکی شدید و باد و ترس و مرض جمع جایز نیست.

۳ - مشهور مالکیه اسباب جمع را از این قرار میدانند: سفر، بیماری، باران، گل آلود

بودن با تاریکی آخر ماه، و بودن در عرفة و مزدلفة برای حجاج با شرائطی.

۴ - حنابله جمع را جایز میدانند در عرفة و مزدلفة و برای مسافر، بیمار، زن شیرده، زن مستحاضه، سلس البول، عاجز از طهارت آبی یا تیمم، عاجز از شناخت وقت، خائف

بر نفس یا مال یا آبرو، خائف از ضرر در زندگی، و در برف، باران، سرما، باد و گل آلود بودن

که البته شرائطی را نیز ذکر میکنند.

۵ - جماعتی از اصحاب حدیث و برخی از اصحاب شافعی و غیره که قائل شده اند جمع در حضر برای انجام حاجتی مطلقا جایز است مادام که به عنوان عادت اتخاذ نشود.

۶ - ابن شبرمة که جمع بین صلاتین را به هر جهت ولو حاجت نباشد جایز میدانند مادام که عادت نشود.

۷ - ابن منذر و بنا به نقل قفال نیز ابن سیرین که جمع در حضر را بطور مطلق و بدون

هیچ قیدی جایز میدانند. (۱)

و قول حق که روایات صحیح آن را تأیید میکند و مطابق اطلاق قرآن کریم است همین قول میباشد و امامیه نیز به تبع اهل بیت علیهم السلام همین مذهب را پیروی میکنند.

والحمد لله رب العالمین

سید محمد رضا مدرسی طباطبایی

۸ صفر الخیر ۱۴۱۵ مطابق ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۳

(۱) - برای مدارك این اقوال متوانید رجوع کنید به: الفقه علی المذاهب الاربعة، المغنی، الشرح الكبير، المجموع، حلیة الاولیاء وغیره.